

سیمای امام حسین علیه السلام در رمان «یادداشت‌های روزانه دختری خردسال از کربلا» اثر رجاء محمد بیطار

دکتر سید مهدی نوری کینقانی^۱

حسن ساقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

چکیده

پس از واقعه عاشورا و شهادت جانسوز سیدالشهداء و یاران باوفایش در سال ۶۱ هجری قمری، ادیبان و شاعران بسیاری در سوگ قهرمانان شهید کربلا و تجلیل نهضت عاشورا، شاهکارهای ادبی خلق کردند. یکی از شخصیت‌های گرانقدر عاشورا، دختر خردسال امام حسین علیه السلام، حضرت رقیه علیها السلام است که با وجود سن کم، شورشی عظیم در دل عاشقان و عارفان افکنده است. در دوران معاصر درباره این دردانه امام حسین علیه السلام اشعار و آثار ادبی ارزنده‌ای نگاشته شده است. مقاله حاضر به معرفی رمان یومیات طفله من کربلاء و واکاوی سیمای امام حسین علیه السلام در آن پرداخته است. این رمان اثر نویسنده توانمند لبنانی رجاء محمد بیطار

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری. sm.nori@hsu.ac.ir.

۲. کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه حکیم سبزواری. hasansaghi136611@gmail.com.

است که سعی کرده در قالب ادبی و با اسلوب داستانی، روایتی جذاب از زمانه و زندگی حضرت رقیه رضی الله عنها و حوادث روزهای منتهی به عاشورای سال ۶۱ هجری ارائه دهد. یافته‌های پژوهش نشان از این دارد که نویسنده سعی کرده در خلال روایت وقایع مختلف و با زبان کودکانه حضرت رقیه رضی الله عنها، فضائل متعدد امام حسین رضی الله عنه از جمله مهربانی نسبت به خلق، بخشندگی و دستگیری از نیازمندان، جوانمردی و ایثار، قداست و طهارت، انسان دوستی و شرافت و مانند آنها را به تصویر بکشد و امام رضی الله عنه را برای نسل نوجوان و جوان به عنوان پیشوای الهی و الگوی انسان کامل و محبوب معرفی کند.

کلیدواژه‌ها: حضرت رقیه رضی الله عنها، رمان آیینی، عاشورا، رجاء محمد بیطار، یومیات طفله من کربلاء.

۱- مقدمه

رمان یا همان داستان بلند و سلسه‌وار از گونه‌های رایج ادبیات است که در دوران معاصر از استقبال فراوانی برخوردار شده است. رمان مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته ادبی روزگار ماست. تعریف رمان در فرهنگ وبستر چنین آمده: روایت خلاقه به نثر با طول شایان توجه و پیچیدگی خاص که با تجربه انسانی همراه با تخیل سر و کار داشته باشد و از طریق توالی حوادث بیان شود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه مشخصی شرکت داشته باشند (میر صادقی، ۱۳۹۴: ۳۳، ۳۴). در دوران جدید رمان عربی در مناطق شهری و متمدن، ابتدا در شام و سپس مصر شکل گرفت. این مناطق در قرن ۱۹ شاهد تحرک اجتماعی آشکاری بودند و فرهنگ اعتراضی و ضد فرهنگ رسمی در آنها بوجود آمد (ابراهیم، ۲۰۱۳: ۱۷۲).

رمان منتخب در این پژوهش، از نوع رمان‌های تاریخی-دینی است. در رمان تاریخی زمینه اثر و شخصیت‌ها و حوادث از تاریخ اخذ شده‌اند مثل رمان ایوانف اثر والتر اسکات و قصه دو شهر اثر چارلز دیکنز یا آشیانه عقاب اثر زین العابدین مؤتمن

(شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۶۹). در ادبیات معاصر عرب این گونه داستان‌نویسی از پایان قرن ۱۹م آغاز شد و پیشگام آن هم جرجی زیدان است که ۲۲ داستان و رمان تاریخی نگاشت (توفیق، ۲۰۱۲: ۵۵).

گرچه رویکرد غالب رمان‌نویسی در ادبیات معاصر عربی و فارسی با توجه به تأثیرپذیری از ادبیات غرب، بیشتر رویکرد عاشقانه آمیخته به مسائل فلسفی، اجتماعی و سیاسی است اما در این میان جریان‌هایی بودند که با جد و جهد ادبیات آیینی را به پیش می‌بردند و از این هنر در جهت معرفی آموزه‌های اسلامی و اعتقادات دینی خود بهره می‌بردند. در همین راستا تنی چند از داستان‌نویسان معاصر عرب و ایرانی به سراغ شخصیت‌های صدر اسلام رفتند و سعی کردند سیره و ویژگی‌های شخصیت‌های مشهور و اثرگذار را در قالب داستانی و به شیوه‌ای جذاب برای خوانندگان به تصویر بکشند که نتیجه آن پدید آمدن رمان‌ها و نمایشنامه‌های تاریخی متعددی در ادبیات معاصر عربی و فارسی است (نوری، گنجعلی و نیکبخت، ۱۴۰۰: ۶۹). لذا از ابتدای قرن بیستم میلادی رمان‌ها و نمایشنامه‌های متعددی درباره شخصیت پیامبر ﷺ و دیگر معصومین به رشته تحریر درآمد که از مهمترین آنها در ادبیات عربی می‌توان به نمایشنامه «محمد» اثر توفیق حکیم، «الحسین ثائرا و شهیدا» از عبدالرحمن الشرقاوی، «الباحث عن الحقیقه» (درباره زندگی سلمان پارسی) اثر محمد عبدالحلیم عبدالله و نظایر اینها اشاره کرد. در اینگونه رمان‌ها و آثار نمایشی که ماده اصلی آنها تاریخ است، نویسندگان تا حد مجاز که مخالفتی آشکار با گزارشات صحیح تاریخی نداشته باشد، تخیل و احساس خود را دخیل می‌کنند و از جاذبه هنر و ادبیات برای جذب مخاطب بهره می‌برند. یکی از وقایعی که در ادبیات معاصر فارسی و عربی دستمایه خلاقیت نویسندگان و ادیبان قرار گرفته است نهضت مبارک حسینی است. پس از واقعه عاشورا دیری نپایید که ادبیات کربلا پدید آمد و در طول تاریخ بارورتر نیز شد تا آنجا که فضای عمده ادبیات شیعی را حجم «ادبیات طف» پر کرده است (طالعی، انواری و درگاهی، ۱۳۹۵: ۲۵). افزون بر اشعار بی‌شماری که در تعظیم و بزرگداشت عاشورا و شخصیت‌های عاشورایی سروده شد، آثار نمایشی و داستانی متعددی هم در این زمینه به رشته تحریر

درآمده است که در ادبیات فاسی داستان‌های ارزنده‌ای چون «آفتاب در حجاب» و «پدر، عشق پسر» از سید مهدی شجاعی از جمله آنها است و در ادبیات عربی هم می‌توان به نمایشنامه «الحسین ثائرا و شهیدا» از عبدالرحمن شرقاوی و نمایشنامه «حر الریاحی» از عبدالرزاق عبدالواحد اشاره کرد.

رجاء محمد بیطار متولد سال ۱۹۶۹م در الهلالیه لبنان است. او دیپلم فیزیک را در سال ۱۹۹۲ و مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی از دانشگاه لبنان را در سال ۲۰۱۹ گرفت و به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی مسلط است. وی نوشتن شعر، نشر و داستان را از ۹ سالگی شروع کرد و با داستان‌های کوتاه و شعرهای خود به مدت ۲۴ سال با تعدادی از مجلات عربی و اسلامی در لبنان و جهان عرب از جمله: نورالاسلام، اجیال المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و العلوم الحدیثه همکاری داشته است. ایشان از ۱۵ سالگی شروع به نگارش رمان‌های بلند و کوتاه کرده است که برخی عبارتند از: الصخرینبت زهراً، یومیات طفله من کربلاء، هذا الرجل غیرنی، سألتک عن الحسین («السیره الذاتیه للروائیة والباحثه اللبنانیة رجاء محمد بیطار»).

رمان یومیات طفله من کربلاء روایتی زیبا و جان‌سوز از زندگی کوتاه حضرت رقیه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا است که به قلم «رجاء محمد بیطار» به رشته تحریر درآمده است. این بانوی فرزانه سعی کرده با درآمیختن تاریخ و خیال و استفاده از قلمی ادبی و هنری تاریخ کربلا را از زبان این کودک داغ‌دیده به تصویر بکشد، کودکی که با وجود سنی کم، مصائبی را به دوش کشیده که صخره‌های سخت را یارای تحمل آنها نیست. نویسنده که خود یک زن است و از قلمی پراحساس برخوردار می‌باشد، در قالب یادداشت‌های روزانه حضرت رقیه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، حوادثی را ترسیم می‌کند که از آغاز حرکت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به سوی حج در سال ۶۰ هجری رخ می‌دهد. او با دقت و ظرافت سعی کرده یک دوره تاریخ عاشورا را از لحظه عزیمت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به حج تا شهادتش در روز عاشورا و سپس اسارت اهل بیت از زبان این نوگل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و برخی دیگر از شخصیت‌ها به تصویر بکشد. نویسنده در خلال روایت حوادث، معلومات تاریخی، حدیثی و قرآنی متعددی را درباره سیدالشهداء و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و اصحاب ایشان به خواننده منتقل می‌کند و چون همه این‌ها در قالبی

احساسی و کودکانه و با سبکی ادبی و هنری بیان می‌شود، خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وی در مقدمه این اثر می‌گوید: «شاید من توانسته‌ام به حقیقت نزدیک شوم گرچه چنان که باید آن را درنیافته‌ام، شاید توانسته باشم تپشی از قلب رقیه علیها السلام را ثبت کرده باشم، قلبی که سرشار از تپش‌های بزرگ و جانکاه بود... من حوادث را از منابع معتبر گرفته‌ام و تمام تلاش خود را کرده‌ام که از روند تاریخ دور نشوم بلکه به آنچه وارد شده - خاصه از زبان معصوم - مقید باشم؛ اما باید دانست که قصه به معنای هنری آن گاه شامل جزئیاتی است که در منبعی نیامده اما طبیعتاً با مقتضای حال منافات ندارد» (بیطار، ۲۰۱۳: ۹).

حضرت رقیه علیها السلام که رمان به ایشان اختصاص دارد دختر امام حسین علیه السلام است. سن مبارک حضرت طبق پاره‌ای از روایت‌ها سه سال و مطابق پاره‌ای دیگر چهار سال بود که در ششم صفر سال ۶۱ هجری، در خرابه شام، از شدت سوز و گداز در فراق پدر، جان به جان آفرین سپرد (ربانی خلخالی، ۱۳۷۷: ۸۳). خردسالی این دختر و عواطفی که نام و یادش و کیفیت جان باختنش و مدفن او بر می‌انگیزد، شگفت است و شیعیان به او علاقه خاصی دارند. محلّ دفن او کنار يك بازارچه قدیمی و با فاصله از مسجد اموی در دمشق قرار دارد و چندین بار تعمیر شده است (محدثی، ۱۳۸۷: ۲۰۰، ۲۰۱).

درباره رمان یومیات طفله من کربلاء تاکنون پژوهشی انجام نگرفته است. البته رمان مذکور توسط نویسندگان مقاله حاضر با عنوان یادداشت‌های روزانه دختری خردسال از کربلا ترجمه شده و در دست چاپ است.

۲- سیمای امام حسین علیه السلام در رمان مذکور

۲-۱. مقام امام حسین علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

شکی نیست که سیره و رفتار امام حسین علیه السلام دقیقاً برخاسته از سنت نبوی است و نمی‌توان حرکت و نهضت حضرت را جدای از محدوده اسلام ناب محمدی تعریف کرد و تاریخ گواه است که ایشان محبوب دل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بودند. در بخش‌های مختلف

این رمان از زبان حضرت رقیه رضی الله عنها و یا دیگران به مقام و منزلت سیدالشهداء نزد پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌شود. یکی از این بخش‌ها آنجاست که نویسنده صحنه‌ای را ترسیم می‌کند که حضرت زینب رضی الله عنها در پاسخ کسی که از ایشان می‌پرسد چرا به رقیه رضی الله عنها که هنوز یک سال دارد توجه دارد به گونه‌ای که حتی وقت نماز او را از خویش دور نمی‌کند و مانع بازی او در دامانش نمی‌شود، می‌گوید: «و کأنی بها تشیر الی جدھا الرسول الذی کان عاتقه المبارک و ظهره محملا و ممتطی لولدیة الحسن والحسین، حتی حین الصلاة؛ گویا منظور عمه زینب از این کار اقتدا به جدش رسول خدا است که دوش مبارکشان، حتی در هنگام نماز، کجاوه‌ای برای سوار شدن دو نوه‌اش حسن و حسین رضی الله عنہما بود» (بیطار، ۲۰۱۳: ۲۴).

در اینجا نویسنده از زبان حضرت رقیه رضی الله عنها پیوندی زیبا میان رفتار حضرت زینب رضی الله عنها و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با حسنین برقرار می‌کند. اشاره نویسنده به روایات مشهوری است که شیعه و سنی مبنی بر توجه شدید رسول الله به دو نوه خود نقل کرده‌اند به گونه‌ای که آنها را بر پشت مبارک خود سوار می‌کرد. در یکی از روایات از قول جابر بن عبد الله آمده است: «نزد پیامبر رفتم در حالی که حسن و حسین بر پشت حضرت بودند و ایشان بر دو زانوی خود حرکت می‌کرد و می‌فرمود چه خوب مرکبی دارید و شما هم چه بار سبکی هستید» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۸۷/۲). و در برخی روایات خود امام حسین رضی الله عنہ در کودکی به این امر، یعنی سوار شدن بر شانه پیامبر صلی الله علیه و آله مباحثات می‌فرمود (ابن عساکر، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

در بخشی دیگر نویسنده با زیبایی تمام صحنه‌ای را به تصویر می‌کشد که رقیه رضی الله عنها یک ساله است و تازه شروع به راه رفتن نموده است و گاه بلند می‌شود و گاه می‌افتد. نویسنده به زیبایی تمام و به شیوه دیالوگ داستانی از زبان پیرمردی با محاسن سپید پیوندی میان این صحنه و خردسالی سیدالشهداء می‌زند: «كنت أمشي كما قلت، فتعثرت... و لعلنی سقطت، فأدرکتنی یدہ الرحیمہ و رفعتنی أحسست أننی ارتفعت إلی علیین وتبسم بعض الأصحاب و قال شیخ کبیر ذو لحيۃ بیضاء: ما أشبه الیوم بالأمس عندما كنت یا أبا عبد الله طفلا تعثرت و سقطت و أنت تمشی فی مسجد جدک فنزل جدک الرسول عن منبره، قطع خطبته و نزل لیحملک و یقیک کل السوء و یقول: حسین

منی و أنا من حسین؛ همان‌گونه که گفتم داشتم راه می‌رفتم، سکندری خوردم و شاید بر زمین افتادم، که دستان مهربان پدرم مرا گرفت و بلندم کرد، احساس کردم که به آسمان‌ها رسیده‌ام... برخی از اصحاب لبخند زدند و پیرمردی با محاسنی سپید گفت: «چقدر امروز شبیه دیروز است ای ابا عبدالله! زمانی که کودک بودی در حالی که در مسجد پدر بزرگت راه می‌رفتی، سکندری خوردی و بر زمین افتادی، پدر بزرگت رسول خدا از منبر پایین آمد و خطبه را قطع کرد، تا تو را از زمین بلند کند، تا گزندی به تو نرسد و بگوید: حسین از من است و من از حسین هستم» (بیطار، ۲۰۱۳: ۲۶).

اشارت نویسنده در اینجا به ماجرای است که در منابع روایی نقل شده که پیامبر ﷺ در هنگام سخنرانی وقتی دید لباس امام حسین علیه السلام به پایش پیچید و زمین خورد خطابه خویش را قطع کرد و از منبر فرود آمد و حضرت را با شور در بغل گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۵/۴۳).

۲-۲. مهربانی امام حسین علیه السلام

مهربانی و عطف نسبت به اطرافیان دور و نزدیک از اوصاف بارز بندگان خوب خداست. «خاتم پیام‌آوران الهی و در امتداد وجود آن رسول گرامی، پیشوایان دینی جلوه‌های کامل رحمت و نرمی، گذشت، بزرگواری، مدارا و مردم‌داری بودند که هر جا رحمت باشد مدارا و ملایمت جلوه می‌یابد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۲۸۲).

بیطار سعی کرده در بخش‌های مختلف رمان، چه از نگاه رقیه علیها السلام خردسال و چه سایر شخصیت‌ها، مهرورزی و دلسوزی امام حسین علیه السلام را برای خوانندگان ترسیم کند. وی در قسمتی از رمان مهربانی و عطف پدر رقیه علیها السلام که سیدالشهداست را چنان به تصویر می‌کشد که برخی افراد غریبه که شدت محبت امام حسین علیه السلام به دختر کوچکش را می‌بینند متعجب می‌شوند و می‌پرسند «مگر او دختر دیگری ندارد؟» و خود از زبان افرادی که امام علیه السلام را می‌شناسند حضرت را چنین ترسیم می‌کند: «و بیتسم عارفوه لیجیبوا: بل له... ولکنه حنانه المعروف و عطفه الفیاض لا علی أولاده فحسب، بل علی کل أحد صغیرا کان أو کبیرا، حرا کان أو مملوکا، حنان و عطف لا یعرفان حدا ولا نهاییه؛

و آنان که امام را می‌شناسند لب به تبسم می‌گشایند و چنین پاسخ می‌دهند: بلکه او... [فرزندان متعدد دارد] اما مهربانی معروف ایشان و عطوفت سرشارشان تنها برای فرزندانش نیست بلکه برای همه است، بزرگ و کوچک، آزاد و بنده، چنان مهربانی و عطوفتی که بی حد و اندازه است!« (بیطار، ۲۰۱۳: ۲۱).

۳-۳. سخاوت و کمک به نیازمندان

از اوصاف سیدالشهداء بخشش بسیار ایشان و دستگیری از نیازمندان و گرفتاران است. حضرت مردمان را به گشاده‌دستی تشویق می‌کرد و می‌فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ جَادَ سَادَ وَ مَنْ بَخِلَ رُدُّلٌ؛ ای مردم هرکس بخشش کرد به سروری رسید و هرکس بخل ورزید پست شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۱/۷۵). همین سخاوت حضرت باعث می‌شد که فروان به بدهکاران و نیازمندان رسیدگی کند. در این باره حکایات جالبی از سیره حضرت نقل شده است. از جمله آورده‌اند: «هنگامی که اسامه، صحابی کهنسال رسول خدا، بیمار شد و در آستانه مرگ قرار گرفت امام به دیدنش رفت. اسامه ناله‌ای کرد و گفت: چه اندوهی! حضرت پرسید برادر اندوهت چیست؟ وی گفت: شصت هزار بدهکارم، حضرت فرمود: من می‌پردازم. وی گفت: دوست دارم پیش از آنکه بمیرم آن را بپردازم. امام قبل از مرگ اسامه آن را پرداخت» (سیدی، ۱۳۹۴: ۱۰۹، ۱۱۰).

در رمان مورد نظر ما نیز، خانم بیطار در مقاطع مختلف این ویژگی را برای خوانندگان به تصویر می‌کشد. برای مثال نویسنده در ترسیم روز عید فطر سال ۶۰ هجری از سخاوت امام حسین علیه السلام و کمک به نیازمندان می‌گوید. رقیه علیها السلام دستگیری پدرش از نیازمندان را چنین به تصویر می‌کشد: «لقد خصنا والدي بالطيب من الطعام والجديد من اللباس جريا على عاده في كل عيد و بعد أن خص فقراء مكة بهذا وأكثر، إذ كان لا يدخل بيتنا شيئا في أيام الصيام وغيرها إلا كان آخر مطافه في العطاء؛ پدرم به رسم هر عید، غذای خوب و لباس نو برای ما تهیه کرد البته این بعد از آن بود که برای تهی‌دستان همین موارد یا بیشتر از آن را جدا کرده بود؛ زیرا در ماه رمضان و غیر آن چیزهایی که به خانه می‌آمد اضافه‌های بخشش او بود» (بیطار، ۲۰۱۳: ۷۰).

در ادامه باز از زبان این دردانه کوچک چنین می‌گوید: «لله درک یا أبتاه، ما أرق قلبك وأحنّ فؤادك... أنت أبو الأامل و الیتامی و المساکین... أنت بحق وریث أخیك الحسن و أبیک علی و جدک المصطفی و أمک الزهراء... أنت أحد الذین و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمآ و أسیرآ؛ خدا خیرت بدهد پدرم! چقدر دل‌رحم و مهربان هستی، تو پدر بیوه‌زنان و یتیمان و مسکین‌هایی! تو به حق وارث برادرت حسن و پدرت علی و جدت مصطفی و مادرت زهرایی، تو یکی از کسانی هستی که غذا را با اینکه دوست می‌دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند» (بیطار، ۲۰۱۳: ۷۱).

در اینجا نویسنده از رقیه علیها السلام خطاب به پدرش او را مهربان‌ترین نسبت به یتیمان و تهیدستان می‌داند و در این زمینه وی را وارث برادر و پدر و جد بزرگوارش می‌داند. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار مسکینان را دوست می‌داشت و می‌فرمود: «أمرنی بحبّ المساکین المسلمین» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۸). سطر آخر جمله حضرت رقیه علیها السلام هم اشاره‌ای است به آیاتی از قرآن کریم که درباره سخاوت اهل بیت و امام حسین علیه السلام و ترجیح نیازمندان بر خود نازل شده است. به گواهی منابع تفسیری شیعه و اهل سنت آیه «یطعمون الطعام...» (انسان/۸) درباره اهل بیتی نازل شده است که امام حسین علیه السلام هم جزو ایشان است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۷۰).

۲-۴. کرامت و جوانمردی

کرامت و رعایت اصول جوانمردی از ویژگی‌های هر انسان آزاده‌ای است و بی‌شک این اخلاق در وجود سیدالشهداء به نحو تمام و کمال تجلی یافته است. جوانمردی حضرت در حدی بود که کمترین خوبی‌ها را با چند برابر پاسخ می‌داد. نقل است که «کنیزی دسته گلی به حضرت هدیه داد و حضرتش در مقابل او را آزاد کرد و فرمود «أنت حرّة لوجه الله» (إربلی، ۱۳۸۱: ۳۱/۲).

نویسنده از زبان دردانه امام حسین علیه السلام در بیان وقایع روز هفتم محرم سال ۶۱ به نمونه‌ای زیبا از جوانمردی و کرامت سیدالشهداء اشاره می‌کند که مربوط به ماجرای بستن آب به روی امام علیه السلام و یارانش است:

«لکنی أعجب لهؤلاء القوم...، إنهم أبناء أبلیس، فهم فی قبح الصورة و سوء السریه مثله و أفبح... و إلا کیف یمنعون الماء عنا و الناس جمیعا و حتی الدواب یلجونه و یشربون بغير إذن؟!... أجل فعندما كان الفرات تحت أیدینا سقیناهم، و أبی أبی إلا أن یسقی حتی دوابهم أما هم فلا إنها شیمة الکریم أن یحسن للمسیء و أن لا ینتظر جزاء الأحسان و لکن القیظ الشدید و العطش یزید و لذا لست أدری کم سیکفینا الماء الذی استسقوه؛ اما من در تعجبم از این قوم ستمگر؛ آنان واقعاً همان گونه که قبلاً توصیف شان کرده‌ام، هستند؛ آنان فرزندان شیطان و در زشت صورتی و زشت سیرتی مانند او و بدتر از او هستند و گرنه چگونه آبی را که حتی حیوانات هم بدون اجازه از آن، می نوشند، از ما و یاران ما دریغ می کنند؟!... آری، هنگامی که فرات در اختیار ما بود، آنان را سیراب کردیم و پدرم، تا زمانی که حتی حیواناتشان را سیراب کرد، خودش آب ننوشید؛ اما آنان، هرگز این کار را نکردند؛ این خصلت انسان سخاوتمند است که به ستمکار نیکی می کند و انتظار نیکی از او ندارد؛ اما گرما شدید است و تشنگی دارد بیشتر می شود، من نمی دانم آبی که آورده اند، تا کی برای ما کفایت کند؟» (بیطار، ۲۰۱۳: ۱۰۸، ۱۰۹).

به راستی که این نهایت جوانمردی و کرم است که انسان بر دشمنی که بر او راه بسته است احسان نماید و نه تنها افراد لشکر مقابل بلکه چارپایان آنها را سیراب سازد. حتی در ادامه همین ماجرای که اینجا قسمتی از آن از زبان حضرت رقیه رضی الله عنها نقل می شود، در تاریخ آمده که امام علیه السلام با دست مبارک خود یکی از افراد تشنه لشکر حرّ را که از بقیه جا مانده بود و دیر رسید به همراه اسبش آب نوشانید! (مفید، ۱۴۱۳: ۷۸/۲).

۲-۵. عبادت و پارسایی امام علیه السلام

یکی از اوصاف سیدالشهداء و یاران ایشان تقید به واجبات، مستحبات، عبادت و تهجد در والاترین مراتب آن است. نویسنده گرانقدر سعی کرده در خلال روایت حوادث مختلف به این مهم توجه نماید تا مخاطب نوجوان و جوان رمانش بیشتر با سرور شهیدان آشنا گردد و از ابعاد مختلف فضائل او غافل نگردد.

وی در بخشی با عنوان «۲۵ رجب سال ۶۰ هجری» از آماده شدن امام و خانواده اش

برای سفر به مکه می‌گوید، سفری که چنان که به گوش این کودک رسیده است سفری پر مخاطره خواهد بود: «تری هل هی الرحله التي تحدث عنها عمتی زینب مع عمی عباس و أمه قبل أيام؟ ولماذا تكون هذه الرحله محفوفه بالمخاطر و هی رحله يقوم بها والدی عادة للعمره أو للحج إلى بیت الله الحرام؟؛ به نظرت، آیا این همان سفری است که چند روز پیش، عمه‌ام زینب، درباره آن با عمویم عباس و مادرش، ام‌البنین صحبت می‌کرد؟!... و چرا با اینکه پدرم این سفر را، معمولا، برای عمره یا طواف خانه خدا انجام می‌دهد، مملو از خطر است؟!».

در ادامه از توجه پدرش به یکی از واجبات مهم یعنی حج صحبت می‌کند و بیان می‌دارد که حضرت ۲۵ بار پیاده به حج رفته است: «هل هناك جدید؟! لا ریب فی هذا، فإن والدی الذی أعلم أنه کما شهدت حینا و سمعت أحيانا قد حج خمسا و عشرين حجة مشيا علی قدمیه المبارکتین من المدینة حیث منزلنا إلى مكة منها بصحبة عمی الحسن و منها بعد استشهاده و اعتمر عددا لا یحصی من المرات و هولم یکن فی کل ذلک یحسب ما یحسب الیوم من حساب...؛ آیا این سفر فرق دارد؟! شکی در این ندارم؛ پدرم آن طور که من می‌دانم و گاه خود شاهد آن بودم و گاه از دیگران شنیدم، بیست و پنج بار، با پاهای مبارک‌شان - چند بار با همراهی عمویم حسن علیه السلام و چند بار پس از شهادت ایشان - از مدینه، با پای پیاده برای حج واجب به مکه رفته است و عمره‌های بی‌شماری نیز به جا آورده است، اما او در تمامی آنها به اندازه امروز، حساب همه جوانب کار را در نظر نمی‌گرفت» (بیطار، ۲۰۱۳: ۵۱). در اینجا حضرت رقیه علیها السلام در ضمن روایت حوادث، به تقید پدرش به فریضه حج اشاره می‌کند. آری امام حسین علیه السلام که الگوی دینداری در همه جوانب است «خود ۲۵ بار پیاده به حج رفت» (هیثمی، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۹) و به کسانی که حج را به خاطر به سامان رساندن کارهای دنیایی ترک می‌کنند هشدار می‌داد که حتی در انجام آن کارها در کوتاه مدت نیز موفق نخواهند شد (سیدی، ۱۳۹۴: ۲۵۷).

در جای دیگر از رمان نویسندۀ از زبان رقیه علیها السلام ضمن بیان وقایع پنجم رمضان سال ۶۰ هجری چنین پارسایی و عبادت امام علیه السلام را توصیف می‌کند: «أعلم أن والدی الذی

يعتكف على عادته في شهر رمضان ويتفرغ للعبادة على عادته فيه وفي غيره من الشهور، وهو الذي صلى في اليوم وفي الليلة ألف ركعة في كل آن...؛ می دانم که پدرم کسی است که در ماه رمضان، مثل همیشه در اعتکاف است و در این ماه و دیگر ماه‌ها به عبادت می پردازد و در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند...» (بیطار، ۲۰۱۳: ۶۴). اشارت نویسنده در اینجا نیز به عبارتی است که در منابع تاریخی از قول امام سجاد علیه السلام آمده که «پدرم در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند» (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴: ۳۴۳/۵).

۲-۷. عزت امام حسین علیه السلام

یکی از اوصاف والای سیدالشهداء عزت و کرامت ایشان است. حضرت در گفتار و رفتار خود عزت را در والاترین مراتب خود جلوه گر ساخت به گونه ای که در این زمینه الگوی جهانیان گشت. کودکان و نوجوانان کنونی ما هم سزد که با این ویژگی امام علیه السلام آشنا شوند تا در آینده آن را در گفتار و رفتار خود تحقق بخشند. در رمان یومیات طفله من کربلاء نویسنده در مواضع متعدد به این خوی نیکوی حضرت اشاره دارد. یکی از صحنه هایی که نویسنده در آن عزت و اقتدار امام علیه السلام را به تصویر می کشد آنجاست که حوادث روز دوم محرم سال ۶۱ را روایت می کند:

«لا زال دم عمی مسلم رطبا و مع ذلك لا زال هناك متعطشون للمزيد من الدماء... إنهم هؤلاء المحيطون بنا...، جند بعدد الحصی، أرسلهم ذلك الخبيث يزيد ليأخذوا والدي، لكن هيهات! لقد قالها والدي مرارا ولا يزال يعيد: لا أعطيكم بيدي إعطاء الذليل ولا أفر إقرار العبيد؛ خون عمویم مسلم هنوز تازه است! و هنوز کسانی هستند که تشنه ریختن خون های بیشتری هستند! آنان همان کسانی هستند که ما را محاصره کرده اند؛ سربازانی به تعداد شن های بیابان که یزید ملعون فرستاده تا پدرم را بگیرند و بزنند، ولی کور خوانده اند! پدرم این جمله را بارها گفته و باز هم می گوید: به خدا سوگند، نه دست ذلت به شما می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت شما می شوم» (بیطار، ۲۰۱۳: ۹۸). در این صحنه، رقیه علیه السلام راوی صحنه ای است که دشمنان و لشکر یزید گرد امام علیه السلام را گرفته اند تا جلو ایشان را بگیرند اما امام علیه السلام آشکارا اعلام می دارند که تن به ذلت نمی دهد.

۲-۸. اصلاح‌گری امام علیه السلام

یکی از ویژگی‌های مکتب امام حسین علیه السلام اصلاح‌خواهی است. قیام اصلاحی اباعبدالله الحسین ریشه در نهضت‌های اصلاحی انبیا داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود و در این راه جان داد تا مفسد برچیده شود (محدثی، ۱۳۸۴: ۲۳۸). مقام معظم رهبری درباره هدف اصلاحی امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «پس امام حسین باید قیام کند زیرا انحراف پیدا شده است. برای اینکه بعد از معاویه کسی به حکومت رسیده است که حتی ظواهر اسلام را هم رعایت نمی‌کند. شرب خمر و کارهای خلاف می‌کند. تعرضات و فسادهای جنسی را واضح انجام می‌دهد. علیه قرآن حرف می‌زند. علنا شعر بر خلاف قرآن و رد دین می‌گوید و علنا مخالف با اسلام است. منتها چون اسمش رئیس مسلمان‌هاست نمی‌خواهد اسم اسلام را براندازد... پس هدف عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح، چه زمانی؟ آن وقتی که راه عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۷۹، ۱۸۱).

رمان یومیات طفله اگرچه از زبان یک کودک روایت می‌شود و نویسنده سعی کرده حال و هوای متن متناسب با سن و احساسات این کودک باشد اما در عین حال نویسنده از اهداف متعالی و اجتماعی نهضت حسینی غافل نیست و به گونه‌های مختلف سعی در تبیین این مهم دارد. برای مثال بیطار در ترسیم وقایع روز ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری از زبان حضرت رقیه علیها السلام لحظات آماده شدن برای سفر به مکه را چنین ترسیم می‌کند: «أهل المدينة مصطفون على جانب الطريق، بعضهم بيكي و ينوح والبعض يتحسر و يتأوه و يحاولون أن يثنوا أبي للمره الأخيرة عن الرحيل لكن إصراره يزيد أساهم؛ اهالی مدینه در دو طرف راه، صف کشیده‌اند؛ برخی می‌گریند و شیون می‌کنند و برخی دیگر حسرت می‌خورند و ناله می‌کنند و می‌کوشند تا برای بار آخر، پدرم را از رفتن بازدارند، اما اصرار پدرم، بر اندوه آنان می‌افزاید» (بیطار، ۲۰۱۳: ۵۴).

وی در ادامه به بیان هدف امام حسین علیه السلام یعنی «طلب اصلاح و فرمان به نیکی و بازداشتن از امور ناپسند» اشاره می‌کند و جمله تاریخی مشهور امام حسین علیه السلام را

(ماخرجتُ أشرا...) در انتهای سخن رقیه رضی الله عنها می‌گنجانند: «و کلماته الملوغه تهیج أشجانهم المتراکمه و أشجاننا منذ استشهاد جدنا حتی الساعه: ما خرجتُ أشرا و لا بطرا و لا ظالما و لا مفسدا، إنما خرجت لطلب الإصلاح فی أمه جدی رسول الله أرید أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر... و بدأنا بالركوب و بدأ أهل المدینه ینتجبون؛ سخنان پرسوز و گداز پدرم، غم انباشته آنها و ما را، از زمان شهادت جدمان تاکنون، برمی‌انگیزد: همانا من از سر غرور و سرمستی، تکبر و خودبزرگ بینی، فساد طلبی و ستمگری، خروج نکرده و از اطاعت سرپیچی نکرده‌ام؛ بلکه فقط برای اصلاح امورات جدم رسول الله، خروج کرده‌ام و می‌خواهم که امر به معروف و نهی از منکر کنم، ما سوار شدیم و اهل مدینه شیون سر دادند» (بیطار، ۲۰۱۳: ۵۴، ۵۵).

نویسنده با آوردن این سخنان امام علیه السلام در پی آن است که خواننده را با هدف راستین امام حسین علیه السلام آشنا سازد تا بر خوانندگان هویدا شود که هدف امام حسین علیه السلام صرف حکومت به هر قیمتی نیست بلکه امام علیه السلام به دنبال احیای سنت‌های اسلامی اصیل و فراموش شده بودند. شهیدی (۱۳۸۵: ۱۲۰) در این باره می‌نویسد: «مردم کوفه به حسین نوشتند که حاکم پیشین، بیت‌المال را بر توانگران قسمت کرد و مستمندان را از آن محروم ساخت. به او نوشتند یک تیره از عرب - بی جا و بدون استحقاق - خود را از دیگر عرب و مسلمانان برتر خوانده است و این خلاف نص کتاب خداست، تو باید بیایی ما هم ترا یاری می‌کنیم تا این بدعت‌ها از میان برود. او هم همین را می‌خواست. شکایت حسین از دوره حکومت معاویه این بود که بدعت زنده شد و سنت مرد. اگر یاور پیدا شد باید سنت را زنده و بدعت را نابود کرد».

نتیجه

رمان یومیات طفله من کربلاء اثر نویسنده معاصر لبنانی «رجاء محمد بیطار» است که سعی کرده با قلمی ادبی و آمیختن تاریخ و روایت به صورت زبان حال، داستانی جذاب از زندگی و زمانه حضرت رقیه رضی الله عنها ارائه دهد. در این رمان نویسنده از زبان حضرت رقیه رضی الله عنها به توصیف شخصیت‌های متعددی از جمله وجود مبارک سیدالشهداء،

حضرت عباس، حضرت زینب، علی اکبر علیه السلام می پردازد. نویسنده سعی کرده در خلال روایت وقایع مختلف و با زبان کودکانه حضرت رقیه علیها السلام فضائل متعدد امام حسین علیه السلام را از جمله مقام حضرت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، مهربانی نسبت به همه، بخشندگی و دستگیری از نیازمندان، جوانمردی و ایثار، قداست و طهارت، انسان دوستی و شرافت، عزت و اصلاح گری را به تصویر بکشد و امام علیه السلام را برای نسل نوجوان و جوان به عنوان پیشوای الهی و الگوی انسان کامل و محبوب معرفی کند. از امتیازات چنین متون داستانی آن است که خواننده مخصوصاً نسل نوجوان و جوان، پیام‌ها و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی را در لابه لای حوادث داستان و به صورت غیرمستقیم دریافت می‌کند و مطلب بهتر در دل و جاننش می‌نشیند.

منابع

- ابراهیم، عبد الله (۲۰۱۳م)، السردیه العربیه الحدیثه، تفکیک الخطاب الاستعماری و إعادة تفسیر النشأه، بیروت، المؤسسه العربیه للدراسات و النشر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
- ابن عبد ربه اندلسی (۱۴۰۴ق)، العقد الفرید، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۳۸۹ق)، تاریخ ابن عساکر، بیروت، مرسسه المحمودی.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
- بیطار، رجاء محمد (۲۰۱۳ق)، یومیات طفله من کربلاء، بیروت، دار المحججه البیضاء.
- توفیق، عمر ابراهیم (۲۰۱۲م)، فنون النثر العربی الحدیث، أسالیبه و تقنیاته، بی جا، بی نا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶ش)، انسان ۲۵۰ ساله، قم، مؤسسه ایمان جهادی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵ش)، خلاصه سیره نبوی، تهران، دریا.
- ربانی خلخالی، علی (۱۳۷۷ش)، ستاره درخشان شام: حضرت رقیه دختر امام حسین علیه السلام، قم، مکتب الحسین علیه السلام.

- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
- سیدی، حسین (۱۳۹۴ش)، یک غنچه صد زخم، نگاهی نوبه زندگی و شخصیت امام حسین علیه السلام، قم، دفتر نشر معارف.
- «السیره الذاتیه للروائیة والباحثه اللبنانیة رجاء محمد بیطار»؛ www.afaqhorra.com
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷ش)، انواع ادبی، تهران، میترا.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۵ش)، قیام حسین علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طالعی، عبدالحسین، محمد جواد انواری و درگاهی، حسین (۱۳۹۵)، شورش در خلق عالم: سیری در ترکیب بند محتشم کاشانی و استقبال های آن در ثای سید الشهداء، تهران، شمس الضحی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، اصول کافی، تصحیح غفاری و آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۳۸۴ش)، پیام های عاشورا، قم، زمزم هدایت.
- محدثی، جواد (۱۳۸۷ش)، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- میر صادقی، جمال (۱۳۹۴ش)، عناصر داستان، تهران، سخن.
- نوری کیدقانی، سید مهدی، عباس گنجعلی و بنفشه نیکبخت (۱۴۰۰ش)، «بررسی تطبیقی عناصر داستانی در دو رمان الباحث عن الحقیقة و او سلمان شد»، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۲۲، دوره ۶، مرداد، ص ۶۷-۸۶.
- هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه.